

نوشتن پناهگاه عاطفی عبدالوهاب!

به گزارش شبکه اطلاع رسانی هرمز؛ عبدالوهاب نظری به اجبار یا به اختیار کاری جز نوشتن نداشت. آنچه که دنیای او را می ساخت قلم و کاغذ و گوشی همراه و یک صندلی چرخ دار بود؛ شرایط فیزیکی و جسمانی اش زندگی بی تنوع او را به نوشتن محدود کرده بود و نوشتن برای او یک نوع پناهگاه عاطفی بود.

او در بیشتر آثار خود از وضعیت خود و اقشار خود یعنی (معلولیت) سخن می گفت. نمونه ها و بریده هایی که تحت عنوان "ویلچر نوشت" منتشر کرده؛ که نشان از درک ویژه و درونی او از دنیای معلولیت بود که با خود آن را حمل می کرد. به همین سبب هم می توان بیرون از متن داستان به چرایی شکل گیری آثار این نویسنده رسید.

اگر چه هنرمندان با بکارگیری از دو عنصر خلاقیت و تخیل می توانند طرح های خود را پی ریزی کنند و به عنوان یک معمار در اشکال گوناگون و دلخواه آن را بسازند و از هر آنچه در جهان ماده و کائنات هست خود را بهر مند سازند و به دور از محدودیت از این ابزارهای خدادای استفاده کنند، اما این آزادی عمل در مورد هنرمندانی که از یک ضایعه جسمی حاد رنج می برند صدق نمی کند.

به گمان من نظری هنرمندی بود که این اختیار تام را نداشت و از همین رو بیشتر آثارش حول محور معلولیت می چرخید. به طریق دیگری می توان اینگونه گفت که استمرار و پافشاری او در داستان ها به مصائب معلولیت که جسم آدمی را همچون ماهی ای که در تور صیاد به دام افتاده به چنگ می گیرد و در قفسی به اسم ویلچر او را به اسارت می نشاند تا حدی که توان او را در انجام جزئی ترین و شخصی ترین کارها سلب می کند او را به یک زندگی سرتاسر رقت انگیز و ملال آوری سوق می دهد.

این تجربه ی بد و ابدی از زندگی باعث شده بود که ذهن و فکر هنری اش از موضوعات دیگر به حاشیه برود و سوژه های دیگر کمتر به آثارش راه پیدا کنند. شاید اگر نظری توفیق آن را داشت که بیشتر عمر کند آثار متنوع تری به کارنامه اش افزوده می شد. پس تا اینجای کار او حق داشت برای نگارش آثارش مثل سایر نویسندگان (که در سلامت کامل

هستند) فکر نکند و ننویسد.

آنچه گفته شد مبحثی بود بر چگونگی شکل‌گیری آثارش از زاویه‌ای برون‌متنی، برای کامل‌شدن مبحث فوق و فهم بهتر آثارش که در چه جایگاهی قرار می‌گیرند و در فقدان او چه بازتاب و تأثیری برای آیندگان خواهد داشت باید از زاویه‌ای درون‌متنی به آن‌ها پرداخت و مورد نقد و بررسی قرار داد.

نوشته: مهدی میرابی/نویسنده و منتقد ادبی

انتهای پیام/